

## تحلیل نقش محیط سیاسی و ذهنی - ادراکی در تفاوت سطح نشاط شهروندان اهواز

ناهید سجادیان<sup>۱</sup>، صفیه دامن باغ<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف پژوهش حاضر تحلیل نقش محیط سیاسی و ذهنی - ادراکی در تفاوت سطح نشاط در محله‌های منتخب شهر اهواز است. پژوهش حاضر کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. ابزار مورد استفاده، ترکیبی از پرسشنامه محقق ساخته و پرسشنامه استاندارد شادکامی آکسفورد است. جامعه آماری شامل شهروندان شهر اهواز (زن و مرد) در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا (۸۸۷۲۸۰ نفر) است. حجم نمونه متناسب با جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر و روش نمونه‌گیری نیز طبقه‌ای نسبی است. پرسش‌نامه‌ها در شش محله منتخب شهرک نفت، کیانپارس، گیت بوستان، عامری، منبع آب و کوی علوی توزیع و تکمیل گردید. جهت تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و نرم افزار GIS استفاده شده است. براساس یافته‌های پژوهش، شهروندان سطح نشاط خود را نسبت به همه عوامل محیط سیاسی و ذهنی-ادراکی پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند. این امر شرایط نامناسب و احساسات منفی مانند نارضایتی، ناخشنودی و عدم اعتماد و امید به وضعیت و محیط سیاسی را برای شهروندان این شهر ترسیم می‌کند. تفاوت سطوح مکانی در اثرپذیری سطح نشاط شهروندان از محیط سیاسی و ذهنی-ادراکی نقش دارد و سطح نشاط شهروندان بر اساس اثرگذاری محیط سیاسی و محیط ذهنی-ادراکی از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند و سیر نزولی دارد. شرایط محیط سیاسی بر محیط ذهنی - ادراکی شهروندان اثر گذار است و محیط سیاسی به واسطه محیط ذهنی-ادراکی و شکل دهی به نقشه ذهنی شهروندان در بروز احساسات و رفتارهای آنان در محیط‌های شهری اثر گذار است. در نهایت پیشنهادها ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: احساس نشاط، محیط سیاسی، محیط ذهنی-ادراکی، جغرافیای رفتاری، شهر اهواز

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتري نویسنده دوم (صفیه دامن باغ) می باشد که به راهنمایی نویسنده اول در گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گردیده است.

<sup>۱</sup> استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتري جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

نشاط<sup>۱</sup> یک مفهوم چندوجهی است که در حوزه‌ی علمی از نیمه دوم قرن بیستم به عنوان یک موضوع میان-رشته‌ای مطرح شده است و در حوزه‌های گوناگون، تعاریف متفاوتی از آن بیان شده است. براساس تعاریف ارائه شده، نشاط به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانان مثبت، نبود هیجانان منفی و رضایت‌مندی (Hall & Helliwell, 2014:3; Meyers, 2010:57; Okulicz, Lourdes et al, 2012:209; Kozaryn, 2015:5). بنابراین، بر اساس مجموعه تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های مورد نظر آن‌ها می‌توان نشاط را ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن (وینهوون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰:۳۴)، بروز صفات و عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، ارزشمندی، راحتی و آرامش ذهنی، خوش بینی و...) و ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی (احساس دوست داشتن، احساس اعتماد و کیفیت تعامل با دیگران، احساس امنیت و...) در افراد اطلاق نمود که مجموع این مؤلفه‌ها در یک محیط شهری، در نهایت موجبات خلق شهری بانشاط را فراهم می‌کند.

پژوهشگران و متفکران علوم انسانی، در دوره‌های مختلف همواره به احساس نشاط توجه کرده‌اند و به بررسی عواملی پرداخته‌اند که در ایجاد احساس نشاط نقش دارند؛ برخی از این عوامل به درون انسان مربوط می‌شود مانند اعتقادات دینی، اصول اخلاقی و عرفانی و نگاه افراد به مسائل مختلف و برخی نیز مربوط به عوامل محیط بیرون مانند تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی زیستی، فرهنگی و غیره است؛ چراکه حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هر یک منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۴:۱۹). بنابراین پژوهش حاضر با تأکید بر نقش عوامل محیط سیاسی و محیط ذهنی-ادراکی در ارتباط با نشاط بیان شده است.

هر تصمیم و اراده‌ی بشری و نهادی جهت ایجاد تغییر در فضا فارغ از محیط سیاسی، زیرساخت‌ها و پیش-زمینه‌های فرهنگی-ایدئولوژیک نیست. از این رو هر محیط سیاسی و مکاتب معرفتی، بر اساس آموزه‌های خود، روش‌ها و دورنمای خاصی را برای ایجاد و بهینه‌سازی فضای مطلوب جغرافیایی، به مثابه‌ی محیط زندگی انسان برای نیروهای سیاسی - نهادی تصمیم‌گیر و فضا‌ساز ترسیم می‌نماید و عملکرد فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها و مکاتب معرفت‌شناختی متفاوت موجبات ظهور فضاهای مختلف را فراهم می‌آورد (کامران و همکاران، ۱۳۹۱:۲۹). به عبارت بهتر کارکردهای ایدئولوژیک جوامع در تلفیق با سیاست‌ها و اراده‌ی نهادهای تصمیم‌گیر دائماً نوع خاصی از مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را متجلی می‌سازد. به بیان دیگر غالب تغییرات فضایی حاصل اراده‌ها و تصمیمات نهادها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، حکومتی و سیاسی در فضا و در جهت بهینه‌سازی فضای محل زندگی انسان‌ها و

<sup>۱</sup>. Happiness

<sup>۲</sup>. Veenhoven

جوامع، مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و مکاتب معرفتی شناختی انتخاب شده توسط این نهادها و ساختارهای تصمیم‌گیری است. بنابراین هر نوع تغییری در فضای جغرافیایی حاصل عملکرد ایدئولوژی‌ها، اندیشه‌ها و نیروهای سیاسی تصمیم‌گیر اعم از نهادهای حکومتی و غیرحکومتی، احزاب، تشکلهای و به طور کلی بازیگران سیاسی مبتنی بر داده‌های فرهنگی آنها است (Peck & Wills, 2000:2).

احساس خوب زیستن در جامعه مستلزم رشد توانایی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی همه افراد جامعه است. بخش مهمی از این احساس مربوط به عملکرد بخش سیاسی جامعه باز می‌گردد. اگر بپذیریم که بهبود زندگی مردم به معنای فراهم کردن شرایط مادی و غیرمادی بروز استعدادها و خلاقیت‌های فردی و اجتماعی جامعه و محور توسعه اقتصادی اجتماعی است، باید پذیرفت که توسعه اقتصادی از توسعه سیاسی یعنی گسترش آزادی‌ها و تامین حقوق فردی و اجتماعی و ایجاد نهادهای مدنی، صنفی و سیاسی فعال در عرصه عمومی و توسعه اجتماعی و فرهنگی جامعه جدا نیست. بی‌گمان در نبود عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر و کافی برای آموزش، تحصیلات، تحقیق و همچنین فقدان آزادی، مشارکت گسترده عمومی در تعیین سرنوشت کشور و داشتن حق انتقاد و نظارت موثر بر حوزه حکومت، تحقق نمی‌یابد. بنابراین مسأله احساس نشاط در زندگی در وضعیتی قرار گرفته است که حوزه سیاست نیز به آن اهمیتی خاص می‌دهد. اهمیت حضور سیاست در حوزه احساس امید و نشاط به سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی بر می‌گردد. دولت‌هایی که سیاست‌های معطوف به نشاط را در اولویت قرار می‌دهند، زمینه مناسبی را برای ارتقای آن فراهم می‌کنند. فرایندهای سیاسی و ساختارهای دموکراتیک و فراهم آوردن شرایط ایمن نیز یکی از بستری‌های تحول در احساس خوب زیستن و نشاط است.

در کشور ایران در دوره‌ی قبل از انقلاب، به فرایندهای کلان توسعه به ویژه امور عمرانی توجه شد، با این فرض که در نتیجه این فعالیت‌ها، سطح رفاه و خوب زیستی ارتقا خواهد یافت. به طور کلی، تا به امروز، با وجود برنامه‌ها و فعالیت‌های زیاد، همچنان کشور با چالش‌ها و مسائل زیادی بر سر راه توسعه و کیفیت زندگی روبرو بوده است. در تمامی برنامه‌های توسعه، محوریت بحث را امر افزایش سطح زندگی و برقراری عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد. مصداق بارز شعارها و اهداف در این برنامه‌های مقابله با تبعیض‌ها و تکاثر ثروت است. البته در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب نیز بیشترین نوع تبعیض‌ها در حوزه‌های اقتصادی مفروض انگاشته شده‌اند و بر تبعیض‌های اجتماعی و گروهی مانند تبعیض جنسیتی کمتر تاکید شده است (عنبری، ۱۳۹۱: ۶۱۹).

نگاهی به برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب نشان می‌دهد که از حیث شرایط اجرایی، زمینه‌ها برای تلاش جدی در مسیر ارتقای سطح کیفیت زندگی و نشاط افراد جامعه فراهم است. اگرچه در تدوین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران نیز به این مسئله توجه شده است؛ به گونه‌ای که بند «ب» ماده ۹۷ قانون توسعه برنامه چهارم به صراحت موضوع "بسط و گسترش روحی نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی" را به منظور پیش‌گیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی "از جمله تکالیف

قانونی دولت را تعیین کرده است. علی‌رغم اهمیت این مسئله و توجه به آن در برنامه‌های توسعه، ایران هنوز از جایگاه مناسبی در زمینه نشاط برخوردار نیست. در سال‌های اخیر نیز جنجال تقدم امر سیاسی بر اقتصادی یا تقدم توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی، نشان دهنده حاکمیت سلیقه‌ها بر قوانین و برنامه‌ها شده است. تغییر مدیریت‌ها در سطح دولت و نهادهای اجرایی نیز به طور بارز بر این امر موثر بوده‌اند. از آنجایی که شهر اهواز نیز مشمول این سیاست‌ها و تصمیمات کلان است؛ بنابراین در جامعه انسانی و جغرافیایی این شهر مسائل و ویژگی‌های خاصی را برای شهروندان آن ایجاد کرده است. این مسائل سلامت روانی، اجتماعی و به دنبال آن نشاط شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر این اساس در این پژوهش با دید جغرافیایی به پراکنش مکانی سطح نشاط براساس اثرگذاری محیط سیاسی و ادراکی-ذهنی و به روش تطبیقی در شش محله منتخب در شهر اهواز پرداخته شده است. در این راستا مهم‌ترین سؤال‌هایی که در این پژوهش مطرح شده است و محقق به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها است عبارت‌اند از: ۱- اثرپذیری نشاط شهروندان از عوامل محیط سیاسی در محله‌های منتخب چگونه است؟ ۲- نقش محیط ذهنی-ادراکی در اثرپذیری نشاط شهروندان از محیط سیاسی در محله‌های منتخب چگونه است؟

### مبانی نظری

#### نقش عوامل محیط سیاسی در نشاط شهروندان

یکی از عواملی که در ایجاد شادی و نشاط در بین افراد یک جامعه نقش اساسی دارد، مسائل مربوط به محیط سیاسی است. همواره بین سلامت ذهنی و زندگی در دموکراسی پایدار و عاری از ستم سیاسی و تعارض نظامی رابطه مثبتی وجود دارد. در فرهنگ‌هایی که برابری اجتماعی وجود دارد، میانگین سلامت ذهنی بالا است و در دولت‌هایی که به رفاه عمومی توجه دارند، در کشورهایی که نهادهای عمومی به نحو مؤثر عمل می‌کنند و در جاهایی که بین شهروندان و اعضای دیوان‌سالاری روابط ارضا کننده وجود دارد، سلامت ذهنی بالاتر است. برخی از اعمالی که حاکمان می‌توانند با انجام آن موجب نشاط مردم جامعه خود شوند، عبارتند از: ۱- عدالت ۲- ایجاد امنیت در بین مردم ۳- رفع نیازهای فقیران و ... (صفری و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۲: ۸۰).

امروزه جغرافی‌دانان نیز در تحلیل فضای جغرافیایی، بیشتر بر تصمیمات سیاسی- محلی و نتایج حاصل از آن در شرایط و کیفیت زندگی مردم شهر تأکید می‌کنند. هم‌چنین نقش دولت‌ها در فضا سازی جغرافیایی از عوامل تعیین کننده محسوب می‌شود. بنابراین در زمینه‌ی مسائل شهری بر نقش تصمیم‌گیری‌های کلیدی (تصمیم‌گیرندگان، مدیران و مسئولان سازمان‌های شهری) تأکید می‌شود؛ چرا که تصمیمات آن‌ها در سیستم تخصیص منابع، محیط زیست شهری خاصی را ایجاد می‌کند؛ هرچند که تصمیمات آن‌ها در داخل یک سیستم مشخص سیاسی یا اقتصادی صورت می‌گیرد، اما این تصمیمات در سطوح محلی تأثیر می‌گذارد (شکوئی، ۱۳۹۱: ۲۶). در شهرها بخشی از توسعه انسانی و فضای اجتماعی شهر در سطح مناطق و محله‌های شهری در قالب متغیری به نام نشاط و تیپ‌های آن مورد

تحلیل قرار می‌گیرد. در این ارتباط باید گفت که مدیریت شهری خوب (حکمروایی شهری خوب) به طور مستقیم با رفاه ذهنی، آرامش و آسایش شهروندان و به صورت غیرمستقیم از طریق نشاط می‌تواند زمینه شکوفایی قابلیت‌ها و استعدادهای شهروندان را در سطح زندگی شهری نمایان کند (بخارایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۵). بر این اساس چنان چه نظام سیاسی پاسخ‌گوی مؤثر علائق افضل (علائق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، نوعی احساس مثبت ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز نشاط افراد است. از نظر اینگلهارت اساساً هر پاسخی تا حدی متأثر از محیطی است که در آن پرسیده می‌شود و این سؤال هم استثناء نیست. پاسخ‌ها هم بازتاب نوسان‌های کوتاه مدت (ناشی از رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و هم بازتاب عامل بلندمدت فرهنگی هستند (کاظمیان‌پور و شهریار، ۱۳۹۶: ۸۲).

در بافت اجتماعی کلان، سیاست‌گذاری‌ها و نهادهایی که وظایف ایفای نقش‌های توزیع خدمات و سرویس‌های رفاهی در جامعه و مهیا نمودن شرایط لازم جهت دستیابی افراد به حقوق اجتماعی-سیاسی را به عهده دارند که هر کدام به نوعی در بروز و ظهور هیجانات خاص، به ویژه احساس نشاط، نقش مؤثری ایفا می‌کنند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹). به عبارت بهتر کارکردهای ایدئولوژیکی جوامع در تلفیق با اراده‌ی نهادهای تصمیم‌گیر دائماً نوع خاصی از مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را متجلی می‌سازد. هر نظام سیاسی و فرهنگی دارای نظام پاداش و کیفر است که به رفتار افراد تحت تأثیر خود درجات حفظ نظام ارزشی و معنایی آن، پاداش داده و رفتارهای خلاف آن را کیفر می‌دهد. همین نظام پاداش و کیفر هست که به سبب ظهور رفتار و ذهنیت‌های نسبتاً هماهنگ در افراد و حفظ نظم اجتماعی می‌گردد. بدین‌سان هر فرهنگ و نظام سیاسی یک نظام قدرت است که هنجارها، نظام ارزشی و گفتمان ویژه‌ی خود را داشته و بایدها و نبایدها را معین نموده و قادر است تغییر در اکوسیستم‌ها و فضای جغرافیایی را جهت‌دهی نماید (لشگری تفرشی، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

به بیان دیگر غالب تغییرات فضایی حاصل اراده‌ها و تصمیمات نهادها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، حکومتی و سیاسی در فضا و در جهت بهینه‌سازی فضای محل زندگی انسان‌ها و جوامع، مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و مکاتب معرفتی شناختی انتخاب شده توسط این نهادها و ساختارهای تصمیم‌گیری است. بنابراین هر نوع تغییری در فضای جغرافیایی حاصل عملکرد ایدئولوژی‌ها، اندیشه‌ها و نیروهای سیاسی تصمیم‌گیر اعم از نهادهای حکومتی و غیرحکومتی، احزاب، تشکل‌ها و به طور کلی بازیگران سیاسی مبتنی بر داده‌های فرهنگی آن‌ها است (Peck & Wills, 2000:2).

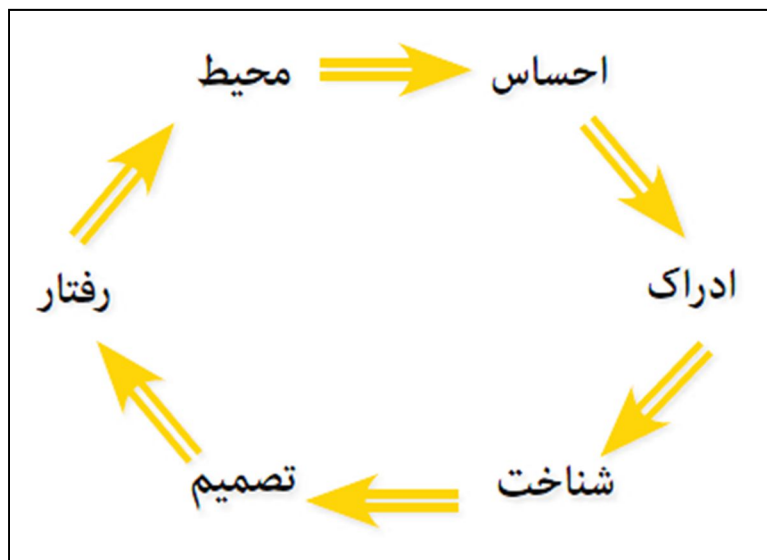
#### دیدگاه جغرافیای رفتاری در مورد محیط ذهنی-ادراکی

جغرافیای رفتاری محصول ورود اندیشه‌های روان‌شناسی به حیطه مباحث جغرافیایی است. ارتباط این علم با جغرافیای انسانی از آن‌جا می‌توان ملاحظه کرد که جغرافیای انسانی در مورد اهمیت ادراک، خلاقیت، تفکر و عقاید

مردم که در فرموله کردن دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به محیط و در نتیجه در نحوه‌ی روابطشان با محیط تأثیر می‌گذارد، تأکید دارد (پورا احمد، ۱۳۹۲: ۱۷۷). یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث به وجود آمدن و طرح مبحث جغرافیای رفتاری شده است این است که علاوه بر محیط بیرونی که شامل محیط فیزیکی و عینی است، جست و جوی محیطی که در آن زمینه‌ی تصمیم‌گیری‌های انسان و عملکردهای او فراهم شود، ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که فقط مسائل عینی و پدیداری مهم نیستند، بلکه محیط ذهنی و برداشت انسان از محیط نیز دارای اهمیت است. پس جغرافی دانان نباید تنها به محیط عینی اکتفا کنند (همان، ۱۸۱). در این راستا، تحلیل رفتارگرایی از مباحث مهمی است که در سال‌های اخیر در جغرافیای شهری، مطالعات ارزشمندی درباره‌ی آن، صورت گرفته است. در تحلیل رفتارگرایی در جغرافیای شهری، تأثیر محیط شهری در رفتار و فعالیت گروه‌های مختلف شهری بررسی می‌شود (شکوئی، ۱۳۹۱: ۲۶)؛ هم‌چنین در زمینه‌ی شیوه‌هایی که در آن، مردم ادراک می‌کنند، سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت در محیط‌شان تأثیر می‌گذارند به بررسی می‌پردازد. در واقع در این دیدگاه جغرافیایی، تأکید و گفتمان میان صورت ذهنی، جامعه و فضا مورد توجه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

همه انسان‌ها در ارتباط با محیط خود هستند و پدیده‌های پیرامون خود را تجربه می‌کنند و هر کس می‌کوشد درک درستی از محیط خود داشته باشد. از آن‌جا که محیط جغرافیایی به طور مستقیم و غیرمستقیم انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و روح او را متأثر می‌سازد، نقش آن در فرایند شناخت نقشی بی‌بدیل است. در این زمینه، جغرافیای ادراکی یا رفتاری به مطالعه ادراک انسانی از مکان و محیط می‌پردازد. در جغرافیای ادراکی مفاهیمی نظیر ادراک، شناخت، محیط و رفتار (پاسخ) در فرایند شناخت از مهم‌ترین مؤلفه‌ها هستند (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۳). در واقع یکی از قلمروهای فکری غالب و مهم در جغرافیای انسانی معاصر، مطالعات نظری و عملی «جغرافیای رفتاری» است. از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ به بعد، گرایش روزافزون و چشمگیری در ادبیات تخصصی و پیشرفته مطالعات رفتاری در مورد توجیه رفتار انسان نسبت به محیط جغرافیایی او مشاهده می‌شود. در جغرافیای انسانی معاصر جغرافیدانان رفتاری استدلال می‌کنند که برای فهمیدن ساختارهای فضایی باید ترجیحاً به تصمیمات و رفتارهایی که بر نظام و ترتیب پدیده‌ها تأثیر می‌گذارند، در حد بالاتری واقف باشیم تا آنکه بخواهیم صرفاً بر روی روابط موقعیت این پدیده‌ها نسبت به هم، تأکید ورزیم. بنابراین استفاده از جغرافیای رفتاری و انسان‌گرایی در چنان بررسی‌هایی ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی دهه ۱۹۷۰ را می‌توان عصر بررسی‌های منحصرأ ادراکی در نظام جغرافیای انسانی دانست در حالی که مطالعات توأمان «ادراک محیطی و رفتار» با کمی تأخیر در اوایل و اواسط دهه ۱۹۶۰ در مکاتب علمی مطرح شد. به گونه‌ای که در اواخر این دهه جغرافیدانان رفتاری به دنبال استحصال روش‌های تحقیقی سازنده‌ای بوده‌اند که ضمن آن بتوانند ترکیب و تلفیق موضوعات رفتاری، نظیر فرآیندها و نمودهای آگاهی، وجهه نظرها و رفتارهای قابل رؤیت را مورد بررسی قرار می‌دهند.

واژه «ادراک» در علم جغرافیا عمدتاً به عنوان فهم و تفسیر ذهنی در مورد موقعیت‌ها یا عارضه‌های قابل رؤیت دریافت شده از طریق حواس پنجگانه انسان می‌باشد. به بیان دیگری می‌توان گفت که ادراک یک فرآیند آگاهی است که در نتیجه اطلاعات دریافت شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی یا انسانی) بوسیله دریافت کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود و سپس در رابطه با دخالت عوامل گروهی-فرهنگی و قومی اشخاص و همچنین دخالت خصوصیات ساختاری فردی آن‌ها نظیر سن و جنس، تعلیم و تربیت، شغل، تجربه و مدت اقامت در یک محل و بالاخره عملکرد خصوصیات نقشی (وظیفه‌ای) آن‌ها مانند استعدادهای ذهنی و سیستم‌های ارزشی و شخصیتی-شان (شخصیت، انگیزه احساسات، وجهه نظرات، عقاید، ارزش‌ها) ارزشیابی و تفسیر شده و آنگاه در شکل‌گیری تصاویر و نقشه‌های ذهنی فرد نقش اساسی را ایفا می‌کند. در واقع فرد اطلاعات دریافت شده از محیط عینی خود را به محیط ذهنی انتقال داده و در رابطه با خصوصیات گروهی جامعه و نیز عوامل فردی و شخصیتی آن را ارزشیابی و به صورت نمودی از آگاهی یعنی نقشه‌های ذهنی سازماندهی می‌کند. نقشه‌های ذهنی به نوبه خود روی تصمیم‌گیری و انتخاب فردی تأثیر می‌گذارند که نهایتاً موجب بروز رفتار فرد بصورت واقعه‌ای قابل مشاهده در محیط رفتاری و محیط واقعی را فراهم می‌آورد (بهفروز، ۱۳۷۰: ۳۱، ۳۷ و ۴۱) (مطابق شکل ۱).



شکل ۱: فرایند رفتار بر اساس محیط منبع: (احمدی، ۱۳۹۵: ۴۶)

براساس شکل (۱)، احساس و ادراک محیطی که منجر به شناخت فرد می‌شود از مهم‌ترین مراحل این فرایند است: چرا که ابتدا احساس و ارتباط با محیط از طریق حواس پنجگانه و سپس با پیش‌تجربه یا تجربیات گذشته و نیز باورها و ارزش‌های زندگی شخص شناخت حاصل می‌شود. اگر این باورها و عقاید دچار کج‌فهمی و انحرافات

باشد، مطمئناً شناخت و نهایتاً کنش و رفتار درستی اتفاق نمی‌افتد و اگر ارتباط با محیط بر اساس اطلاعات عینی و واقعی محیط باشد، این شناخت به واقعیت و حقیقت نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. بنابراین حضور مکرر در هر محیط شهری، در پیش زمینه ذهن، رفتارهای محیطی شهروندان را شکل می‌دهد. ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر مبنای تأثیرات حسی، تجربه‌ها و خاطره‌های شخصی، قضاوت، زیبایی‌شناسی، تجربه‌های گروهی و خاطره‌های جمعی، حوادث تاریخی و چارچوب فرهنگی ارزش‌ها و آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها ایجاد می‌کند. از این روست که رفتار شهروندان هم به فضاهای شهری شکل می‌دهد و هم در محیط‌های شهری شکل می‌گیرد. زیرا خلق معنا فرآیندی منفعل نیست که ذهن اطلاعات حسی را دریافت کند و آن‌ها را بر اساس قوانین تداعی معانی به هم متصل کند، بلکه فرآیندی فعال و خلاق است. در این فرآیند، عین و ذهن یک واحد را تشکیل می‌دهند و ذهن جهانی را، که در فرآیند ادراک حس می‌کند، می‌آفریند.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. مهم‌ترین بخش توصیفی مطالعه‌ی حاضر گردآوری متغیرهای تبیین‌کننده‌ی نشاط با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا، متغیرهای کلیدی و تبیین‌کننده‌ی نشاط از منابع و پیشینه‌ی مربوط به موضوع استخراج و گردآوری گردید. با توجه به اینکه موضوع نشاط در حیطه جغرافیای رفتاری است، ابزار اصلی دستیابی به اطلاعات استفاده از پرسشنامه است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده از جمله پرسشنامه ۲۹ گویه‌ای استاندارد شادکامی آکسفورد<sup>۳</sup> و پرسشنامه محقق ساخته مربوط به سنجش وضعیت محیط سیاسی و محیط ذهنی- ادراکی است.

جامعه آماری شامل شهروندان شهر اهواز (۱۵ سال به بالا) است که برابر با ۸۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. برای سهولت سنجش در نهایت شش محله از شهر اهواز به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و جمعیت آن‌ها به عنوان جامعه هدف پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. حجم نمونه متناسب با جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران<sup>۴</sup>، تعداد ۳۸۵ پرسشنامه برآورد گردید که تعداد پرسشنامه‌ها به نسبت حجم جمعیت محلات منتخب محاسبه شد. روش نمونه‌گیری تخصیص نسبی (طبقه‌ای) است. انتخاب محله‌ها به گونه‌ای بوده است که توزیع و پراکندگی آن‌ها گستره جغرافیایی و مناطق شهر اهواز را پوشش می‌دهد. در جدول (۱) مشخصات محله‌ها، تعداد نمونه‌ها و پرسشنامه‌های تکمیل شده در هر محله نشان داده شده است.

<sup>3</sup> .Oxford Happiness Inventory

این پرسشنامه را آرگایل و لو در سال ۱۹۸۹ میلادی تهیه کردند و ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۱۳۴۷ آزمودنی به دست آوردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعددی که تاکنون انجام گرفته مورد تأیید قرار گرفته است. بررسی پایایی صوری این پرسشنامه نشان داده است که این پرسشنامه توانایی سنجش نشاط را بر اساس مؤلفه‌های آن در ایران را داراست. در این راستا برای سنجش سطح نشاط شهروندان اهواز از این پرسشنامه استفاده شده است.

<sup>4</sup> .Cochran Formula

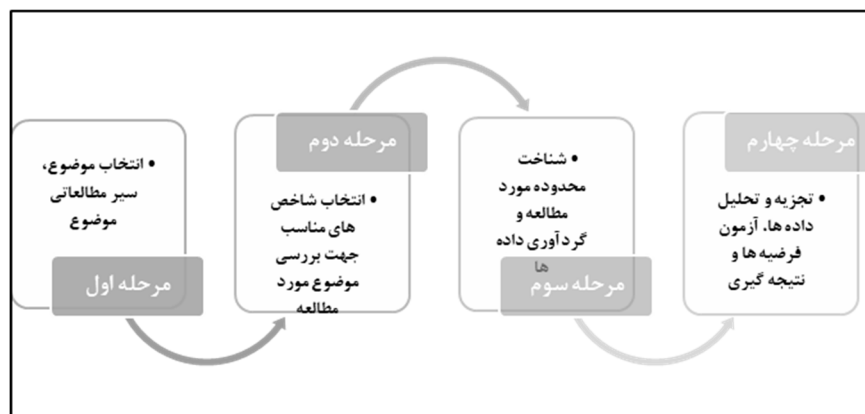


جدول ۱: مشخصات و تعداد نمونه در محلات منتخب

محلّه	منطقه	جمعیت	مساحت (هکتار)	سطح	تعداد نمونه
شهرک نفت	۳	۶۴۲۹	۴۹۸	یک	۳۰
کیانپارس	۲	۴۶۷۶۲	۴۰۷	یک	۱۱۵
گیت بوستان	۴	۷۱۳	۷۲	دو	۲۰
عامری	۷	۴۴۹۴	۳۷	دو	۲۵
منبع آب	۷	۲۷۹۹۱	۱۱۷	سه	۷۰
کوی علوی	۶	۴۷۹۷۸	۷۰۳	سه	۱۲۵

منبع: معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری اهواز ۱۳۹۶ و محاسبات نگارندگان

جهت تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار spss از روش‌های آماری از جمله میانگین پاسخ‌ها، رگرسیون خطی<sup>۶</sup>، و تحلیل واریانس یک راهه<sup>۷</sup> و نرم افزار ArcGIS نیز بهره گرفته شده است. در شکل (۲) فرایند انجام پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۲: فرایند انجام پژوهش ترسیم: نگارندگان

### محدوده مورد مطالعه

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر، شهر اهواز است. شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان با جمعیت ۱۱۸۴۷۸۸ نفر<sup>۸</sup>، به عنوان هفتمین شهر پرجمعیت ایران (محمدی ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۳) در موقعیت جغرافیایی ۳۱

<sup>۵</sup>. means

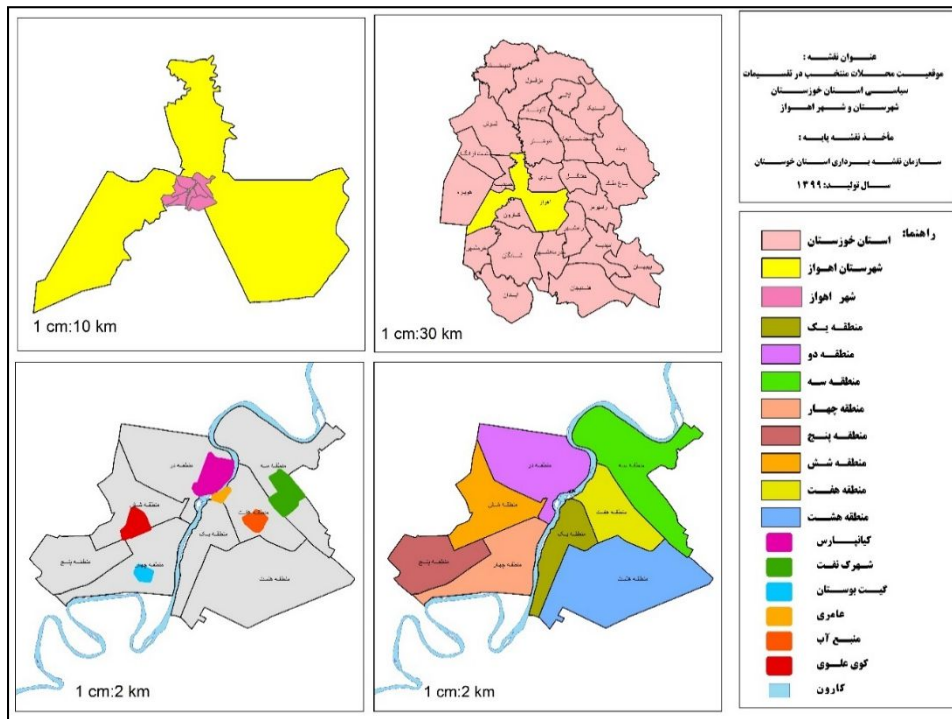
<sup>۶</sup>. Regression Linear

<sup>۷</sup>. One-Way ANOVA

<sup>۸</sup>. طبق آمار رسمی سال ۱۳۹۵

درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا واقع شده است (امانپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۸). شهر اهواز براساس آخرین مستندات (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) و آخرین منطقه بندی شهرداری، دارای ۸ منطقه شهری، ۳۴ ناحیه و ۱۲۴ محله می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز، ۱۳۹۶: ۶).

برای تحلیل جغرافیایی از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است و برای انتخاب محله‌های هدف، در ابتدا محلات شهر اهواز براساس شاخص‌های مکانی شامل جمعیت (اشتغال و بیکاری و ...)، کیفیت زندگی (فراغت، امنیت و ...)، قشربندی اجتماعی (تحصیلات، مسکن و ...) سطح بندی شد و در نهایت شش محله شهرک نفت و کیانپارس (نماینده محلات سطح یک یا توسعه یافته)، محله عامری و گیت بوستان (نماینده محلات سطح دو یا متوسط) و محله منبع آب و کوی علوی (نماینده محلات سطح سه یا سطح توسعه پایین) برای مطالعه انتخاب شدند. در شکل شماره (۳) موقعیت محلات منتخب و جایگاه شهر اهواز<sup>۹</sup> نشان داده شده است.



شکل ۳: موقعیت و جایگاه شهر اهواز در تقسیمات سیاسی استان تنظیم: نگارندگان

<sup>۹</sup> نقشه‌های پایه برای تنظیم شکل (۳) برگرفته از سازمان نقشه برداری استان خوزستان است.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از میانگین داده‌های حاصل از پرسشنامه محقق ساخته در محله‌های مورد مطالعه به بررسی و تحلیل هر یک از مؤلفه‌های محیط سیاسی و محیط ذهنی- ادراکی در احساس نشاط شهروندان پرداخته شده است. با توجه به اینکه پاسخ به سوالات پرسشنامه محقق ساخته براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت از خیلی کم (عدد ۱) تا خیلی زیاد (عدد ۵) بوده است، بر این اساس عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها در نظر گرفته شده است. همان طور که در جدول (۲) نشان داده شده است از لحاظ همه‌ی عوامل محیط سیاسی بین محله‌های شش‌گانه اختلاف میانگین وجود دارد به طوری که از نظر شهروندان محله‌ی شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان عوامل محیط سیاسی نقش بیشتری در سطح نشاط آن‌ها نسبت به محله‌های دیگر داشته است. این در حالی است که در محله‌های منبع آب و کوی علوی مؤلفه‌های محیط سیاسی کمترین نقش را در احساس نشاط آنان داشته است. به طور کلی با مشاهده جدول (۲) مشخص می‌شود که از نظر شهروندان در هر شش محله منتخب میانگین و امتیاز پاسخ‌های مربوط به سوالات اثرگذاری عوامل محیط سیاسی در احساس نشاط آنان پایین‌تر از حد میانگین و مطلوب بوده است. این امر نشان می‌دهد که به طور کلی سطح رضایتمندی و احساسات مثبت و خوشایند شهروندان نسبت به وضعیت محیط سیاسی آنان پایین است به خصوص در محله‌های کوی علوی و منبع آب که دارای شرایط ویژه‌ای از این نظر هستند. بنابراین از دیدگاه شهروندان در محلات مورد مطالعه شرایط و عوامل محیط سیاسی و عمومی جامعه و شهر اهواز بر سطح نشاط آنان اثر گذاشته است و میزان اثرگذاری آن برای هر شش محله مورد مطالعه با وجود اختلاف در امتیاز عوامل اثرگذار برای همه پایین‌تر از حد مطلوب بوده است. به عبارت دیگر شرایط محیط سیاسی به گونه‌ای است که سطح نشاط عمومی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است.

جدول ۲: میانگین امتیاز مؤلفه‌های محیط سیاسی در احساس نشاط شهروندان محله‌های مورد مطالعه

عوامل محیط سیاسی	تفاوت	کیانپارس	بوستان	کامری	منبع آب	کوی علوی
آگاهی از وضع وقایع جهانی در رابطه با ایران در تقویت احساس امیدواری و شادابی‌ام اثر داشته است.	۲/۱	۲	۱/۵	۲/۱	۲/۰۸	۲/۰۶
داشتن آزادی‌های سیاسی و فردی در تقویت احساس آرامش- خاطر و سرزندگی من اثر داشته است.	۲/۲	۲/۱	۱/۳	۲/۲	۲/۰۰	۲/۰۲
اعتماد به توانایی دولت در بهبود وضع مملکت در احساس خوشبینی و امید من به آینده اثر گذاشته است.	۲/۱	۲/۰۱	۲/۰۱	۲/۲	۲	۱/۲
نبودن فساد در سیستم اداری و مالی در تقویت احساس آرامش خاطر و نشاط من اثر داشته است.	۲/۴	۲/۰۲	۲/۰۴	۲/۰۸	۲/۰۱	۱/۳

۱	۲/۲	۲/۸	۲/۲	۲/۱۹	۲/۳	اعتقاد و باور به وجود برنامه ریزی در کارهای مسئولان در احساس راحتی و آرامش خاطر من اثر داشته است.
۱/۱	۲/۱	۲/۳	۲/۳	۲/۰۳	۲/۳	اعتماد به مسئولان در خصوص توجه به منافع عموم مردم (عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات شهری) در تقویت حس آرامش و شادابی ام اثر داشته است.
۱/۲	۲	۲/۱	۲/۲	۲/۰۰	۲/۲	ایجاد بستر برای مشارکت و نظارت اهالی محله بر تصمیم- گیرهای مربوط به محله (نظر خواهی از شهروندان) در تقویت حس ارزشمندی، عزت نفس و شادابی ام اثر داشته است.
۱/۳	۲/۰۱	۲/۰۴	۲/۳	۲/۱	۲/۵	پاسخگویی مدیران و مسئولان شهر اهواز به وظایف خود (همبستگی بین مردم و مسئولین)، در تقویت حس عزت- نفس و نشاط من اثر داشته است.
۱/۳	۲/۰۲	۲/۲	۲/۱	۲/۰۱	۲/۳	رو راست بودن مدیران و مسئولان شهری اهواز (شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات و...)، در تقویت احساس خوشبینی و شادابی من اثر گذاشته است.
۱/۲	۲	۲/۰۴	۲/۰۳	۲/۰۰	۲/۳	پایبندی به قوانین و مقررات مدیران و مسئولان شهری اهواز در تقویت احساس خشنودی و نشاط من اثر گذاشته است.

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی بر اساس مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه بر اساس آزمون تحلیل واریانس و آزمون شفه (جدول ۳)، به لحاظ اثر گذاری عوامل محیط سیاسی در سطح نشاط شهروندان می توان دو گروه را شناسایی نمود. از نظر میزان اثرگذاری عوامل محیط سیاسی در سطح نشاط شهروندان با توجه به نزدیک بودن امتیاز محله‌ها مشخص می‌شود که اختلاف زیاد و معناداری بین محله‌های مورد مطالعه مشاهده نمی‌شود اما با این حال به دلیل متغیر بودن امتیاز محله‌ها، محله کوی علوی و منبع آب و عامری به ترتیب با امتیاز ۲۵/۷۱۳، ۲۶/۱۰۰ و ۲۶/۲۱۴ در یک گروه و محله گیت بوستان، کیانپارس و شهرک نفت به ترتیب با امتیاز ۲۷/۱۲۰، ۲۷/۲۱۱ و ۲۷/۲۰۰ در گروه دوم قرار گرفته‌اند. این امر نشان دهنده تفاوت در بین محلات مورد مطالعه از لحاظ اثرپذیری سطح نشاط از عوامل محیط سیاسی آن‌ها می‌باشد، به ویژه در محله‌های کوی علوی و منبع آب (به عنوان محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری) که سطح نشاط خود را نسبت به محله‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان اثرپذیری سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان از عوامل محیط سیاسی بیشتر از سه محله دیگر بوده است.

جدول ۳: گروه‌بندی محلات مورد مطالعه بر اساس اثرگذاری عوامل محیط سیاسی در سطح نشاط شهروندان

محلّه	تعداد نمونه	معنی‌داری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵
		۲
	۱	
کوی علوی	۱۲۵	۲۵/۷۱۳
منبع آب	۷۰	۲۶/۱۰۰
عامری	۲۵	۲۶/۲۱۴
گیت بوستان	۲۰	۲۷/۱۲۰
کیانپارس	۱۱۵	۲۷/۲۱۱
شهرک نفت	۳۰	۲۷/۲۰۰
معنی‌داری	-	۰/۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است از لحاظ همی مؤلفه‌های ذهنی - ادراکی بین محله‌های شش‌گانه اختلاف میانگین وجود دارد به طوری که از نظر شهروندان محله‌ی شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان مؤلفه‌های محیط ذهنی - ادراکی نقش بیشتری در سطح نشاط آن‌ها نسبت به محله‌های دیگر داشته است و امتیاز عوامل ذهنی - ادراکی در حد میانگین و نزدیک به میانگین بوده است. این در حالی است که در محله‌های عامری، منبع آب و کوی علوی مؤلفه‌های محیط ذهنی - ادراکی امتیاز کمتری را کسب کرده‌اند و به خصوص در محله کوی علوی و منبع آب محیط ذهنی - ادراکی کمترین نقش را در احساس نشاط آنان داشته است. به طور کلی با مشاهده جدول (۴) مشخص می‌شود که از نظر شهروندان در هر شش محله منتخب میانگین و امتیاز پاسخ‌های مربوط به سوالات اثرگذاری عوامل محیط ذهنی - ادراکی در احساس نشاط آنان پایین‌تر از حد میانگین و مطلوب بوده است.

جدول ۴: میانگین امتیاز عوامل محیط ذهنی - ادراکی در احساس نشاط شهروندان محله‌های مورد مطالعه

عوامل محیط ذهنی - ادراکی	نفت	کیانپارس	بوستان	عامری	منبع آب	کوی علوی
داشتن حس آزادی انتخاب در زندگی، بر تقویت احساس لذت و شادابی‌ام اثر داشته است.	۲/۵	۲/۱	۲/۲	۲/۰۱	۲/۰۳	۱
استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (مثل موبایل، تلویزیون و...) بر سبک زندگی و شادزیستی‌ام اثر داشته است	۲/۵۳	۲/۲۶	۲/۱	۲/۰۷	۲/۰۳	۱/۵

۱/۲	۲/۰۲	۲/۰۵	۲/۱۵	۲/۱۲	۲/۵	استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، بر تقویت مثبت- اندیشی‌ام (ذهنیت و درک مثبت از خودم، دیگران و محل سکونتم) اثر داشته است.
۱/۹۷	۲	۲/۳	۲/۴	۲/۵	۲/۴	استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر آگاهی و سطح توقعات من از محیط زندگی‌ام (مانند احساس نیاز به امکانات و فضاهای نشاط‌آور) اثر داشته است.
۱/۱	۲/۰۲	۲/۰۳	۲/۰۸	۲/۰۹	۲/۱۶	استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در تقویت درک و آگاهی من برای تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی‌ام، اثر گذاشته است.
۱	۲	۲/۱	۳/۰۳	۳/۰۶	۳/۱	زمانی که وضع خودم را با دیگران که هم ردیف من بوده‌اند، مقایسه می‌کنم، احساس می‌کنم از آن‌ها جلوترم.
۱	۲/۰۱	۲/۱	۲/۹۵	۲/۹۷	۲/۹۳	وقتی که وضع فعلی خودم را با گذشته مقایسه می‌کنم، احساس می‌کنم اوضاعم نسبت به گذشته بهتر شده و خشنودم.
۱	۱/۹۶	۲/۰۱	۳/۰۵	۲/۹۵	۳/۰۰	زمانی که وضع خودم را با حالت ایده‌آل مقایسه می‌کنم، احساس می‌کنم به آنچه خواسته‌ام، رسیده‌ام و حس عالی دارم.
۲/۲	۲/۴	۲/۹	۲/۳	۲/۳۲	۲/۴۶	اگر بخواهم وضعیت الان خود را با ۵ سال پیش مقایسه کنم، احساس سرزندگی و نشاط من بهتر شده است.
۱/۲	۲/۱	۲/۴	۲/۵	۲/۳	۲/۶۵	با در نظر گرفتن شرایط موجود، احساس می‌کنم به اهدافی که در زندگی دارم، خواهیم رسید.
۱/۵	۲/۰۲	۲/۵	۲/۷	۲/۸	۲/۷	وجود فرصت‌های مناسب برای بروز خلاقیت و شکوفایی استعدادهایم در تقویت احساس خوشحالی و نشاطم اثر گذاشته است.
۱/۲	۲	۲/۱	۲/۴	۲/۵	۲/۹	از زندگی کردن در این محله و شهر اهواز احساس عالی دارم و لذت می‌برم.
۲	۲/۵	۲/۳	۲/۸	۲/۵۹	۲/۷	احساس احترام به من و احترام مردم شهر اهواز نسبت به همدیگر، در تقویت احساس خوبی و شادابی‌ام اثر داشته است.
۱/۵	۱/۹۳	۲/۲	۲/۷	۳/۱	۲/۸	توجه به روحیات مردم شهر اهواز (شاد بودن آن‌ها و...) بر احساس خوشحالی و نشاطم اثر گذاشته است.

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کلی بر اساس مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه براساس آزمون تحلیل واریانس و آزمون شفه (جدول ۵)، به لحاظ اثر گذاری عوامل محیط ذهنی- ادراکی در سطح نشاط شهروندان می‌توان دو گروه را شناسایی نمود. از

نظر میزان اثرگذاری عوامل محیط ذهنی- ادراکی در سطح نشاط شهروندان با توجه به نزدیک بودن امتیاز محله‌ها مشخص می‌شود که اختلاف زیاد و معناداری بین محله‌های مورد مطالعه مشاهده نمی‌شود اما با این حال به دلیل متغیر بودن امتیاز محله‌ها، محله کوی علوی و منبع آب و عامری به ترتیب با امتیاز ۳۵/۳۲۸، ۳۶/۴۱۱ و ۳۶/۷۱۴ در یک گروه و محله گیت بوستان، کیانپارس و شهرک نفت به ترتیب با امتیاز ۳۸/۱۳۰، ۳۹/۲۱۱ و ۴۰/۹۶۶ در گروه دوم قرار گرفته‌اند. این امر نشان دهنده تفاوت در بین محلات مورد مطالعه از لحاظ اثرپذیری سطح نشاط از عوامل محیط ذهنی- ادراکی آن‌ها می‌باشد، به ویژه در محله‌های کوی علوی و منبع آب (به عنوان محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری) که سطح نشاط خود را نسبت به محله‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان اثرپذیری سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان از عوامل محیط ذهنی- ادراکی بیشتر از سه محله دیگر بوده است.

جدول ۵: گروه‌بندی محلات مورد مطالعه بر اساس اثرگذاری عوامل ذهنی- ادراکی در سطح نشاط شهروندان

معنی داری طبقات در سطح	تعداد نمونه	محله
آلفا ۰/۰۵	۱	کوی علوی
۲	۱۲۵	منبع آب
	۲۵	عامری
۳۸/۱۳۰	۲۰	گیت بوستان
۳۹/۲۱۱	۱۱۵	کیانپارس
۴۰/۹۶۶	۳۰	شهرک نفت
۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	معنی داری

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه نیز جهت تعیین میزان اثرگذاری محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی (به عنوان متغیرهای مستقل) در سطح نشاط شهروندان محله‌های منتخب (متغیر وابسته) از روش رگرسیون وزنی جغرافیایی<sup>۱۰</sup> (GWR) در محیط نرم افزار GIS استفاده شده است. مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی گسترش یافته رگرسیون عمومی است جوهره اصلی این مدل به صورت زیر است.

<sup>10</sup> . Geographically Weighted Regression

$$y_i = \beta(u_i, v_i) + \sum \beta_k(u_i, v_i) X_{ik} + \varepsilon_i \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (\text{رابطه ۱})$$

جایی که  $(u_i, v_i)$  مختصات آمین نقطه را در فضا نشان می‌دهد. تابع پیوسته از  $\beta_k(u, v)$  در هر نقطه  $i$  است و  $X_{i1}, \dots, X_{ip}$  متغیرها توضیحی در نقطه  $i$  و  $\varepsilon_i$  جز خطاست. برای مجموعه داده‌های داده شده پارامترهای منطقه‌ای  $\beta(u, v)$  با استفاده از مراحل حداقل مربعات تخمین زده می‌شود وزن‌های  $w$  برای  $j=1, 2, \dots, n$  در هر موقعیت  $(u_i, v_i)$  تابع پیوسته‌ای از فواصل بین نقاط  $i$  و دیگر نقاط داده‌ای به دست می‌آید.

(رابطه ۲)

$$\beta = \begin{bmatrix} \beta(u_1, v_1) & \beta(u_2, v_1) & \dots & \beta_p(u_1, v_1) \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \beta(u_n, v_n) & \beta(u_n, v_n) & \dots & \beta_p(u_n, v_n) \end{bmatrix}$$

این ماتریس پارامترهای منطقه‌ای است هر سطر از رابطه زیر حاصل شده است.

$$\beta(i) = (X^T W(i) X)^{-1} X^T W(i) Y \quad (\text{رابطه ۳})$$

به طوری که  $i=1, 2, \dots, n$  نشان دهنده سطرهای ماتریس  $X$  ماتریس متغیرهای مستقل،  $Y$  متغیر وابسته و  $w(i)$  ماتریس  $n \times n$  وزن فضایی به صورت زیر است.

(رابطه ۴)

$$W(i) = \text{diag} W_{i1}, W_{i2}, \dots, W_{in}$$

$$W(i) = \begin{bmatrix} W_{i1} & \cdot & \dots & \cdot \\ \cdot & W_{i2} & \dots & \cdot \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \cdot & \dots & \dots & W_{in} \end{bmatrix}$$

تخمین زدن در این رابطه تخمین حداقل مربعات است، اما ماتریس وزنی ثابت نیست. از این رو  $w(i)$  باید برای هر نقطه  $i$  محاسبه شود  $w_{ij}$  تقریبی از هر نقطه داده در موقعیت  $i$  را نشان می‌دهد. نقاط داده‌ای نزدیک به  $i$  دارای وزن بیشتری در تخمین پارامترهای  $\beta(i)$  نسبت به نقاط دورتر است. توابع وزنی متفاوتی تعریف کردنی است متداول ترین، تابع کرنل، گاوسی و تابع وزنی است. پس از اجرای رگرسیون وزنی جغرافیایی روی پارامترهای مدل، خروجی به صورت جدول (۱۳) حاصل شد. این خروجی پارامترهای مدل و آماره‌هایی را نشان می‌دهد که میزان



خوبی مدل را منعکس می‌کنند. مهم‌ترین مقادیر در اینجا  $R^2$  و  $R^2$  Adjusted شده هستند که در حقیقت خوبی و دقت مدل مورد استفاده را نشان می‌دهند. اگر مقادیر به عدد ۱ نزدیکتر باشد، به معنای آن است که متغیرهای توصیفی مورد استفاده توانسته‌اند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند و هرچه این مقدار به ۱- نزدیک باشد حکایت از عکس رابطه در بین شاخص‌ها است.

نتایج نشان می‌دهد که اثرگذاری محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی بر سطح نشاط شهروندان محلات مورد مطالعه، خروجی پارامترهای مدل به میزان بالایی پیش‌بینی مورد نظر را در حالت مستقیم تایید می‌کند. با توجه به ضریب بالای  $R^2$  (۰/۹۶۳) برای متغیر محیط سیاسی، می‌توان گفت بین متغیر محیط سیاسی و احساس نشاط شهروندان رابطه مستقیم و معناداری برقرار است به گونه‌ای که هرچه وضعیت عوامل محیط سیاسی مناسب‌تر باشد، میزان احساس نشاط شهروندان نیز بیشتر می‌شود. هم‌چنین نتایج مدل مورد نظر برای متغیر محیط ذهنی- ادراکی با  $R^2$  برابر (۰/۹۶۱) و  $R^2$  تعدیل شده برابر (۰/۹۱۰) دارای دقت قبل قبولی در مدل‌سازی روابط فضایی عوامل محیط ذهنی- ادراکی بر احساس نشاط شهروندان است. در جدول (۶) برآورد مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR) در اثرگذاری شاخص‌های محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی در سطح نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه نشان داده شده است.

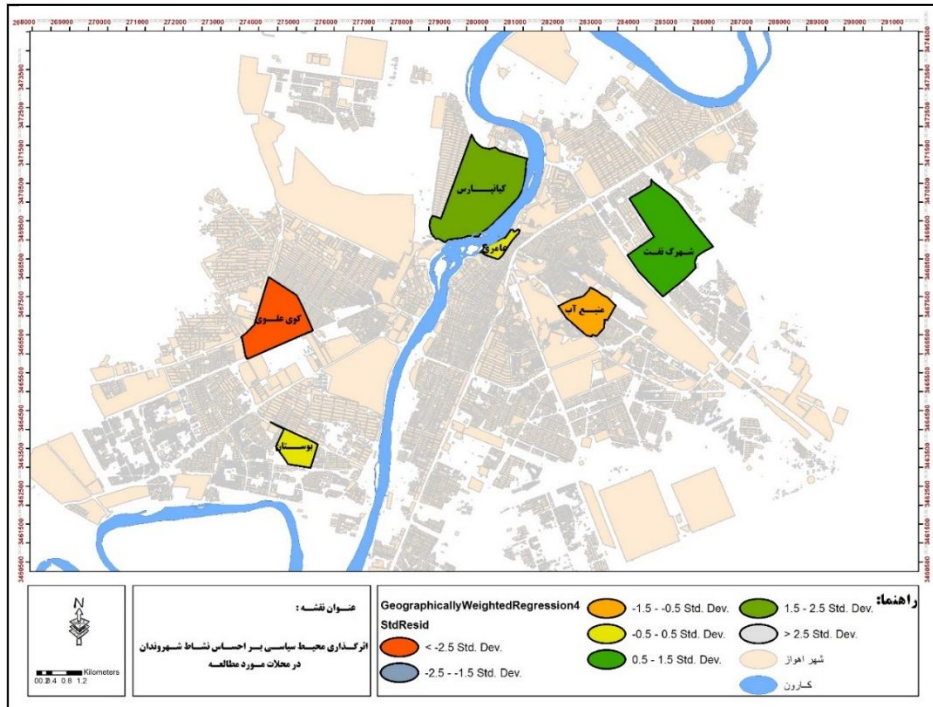
جدول ۶: **Error! No text of specified style in document.** برآورد مدل رگرسیون وزنی جغرافیایی در اثر

گذاری محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی در سطح نشاط شهروندان

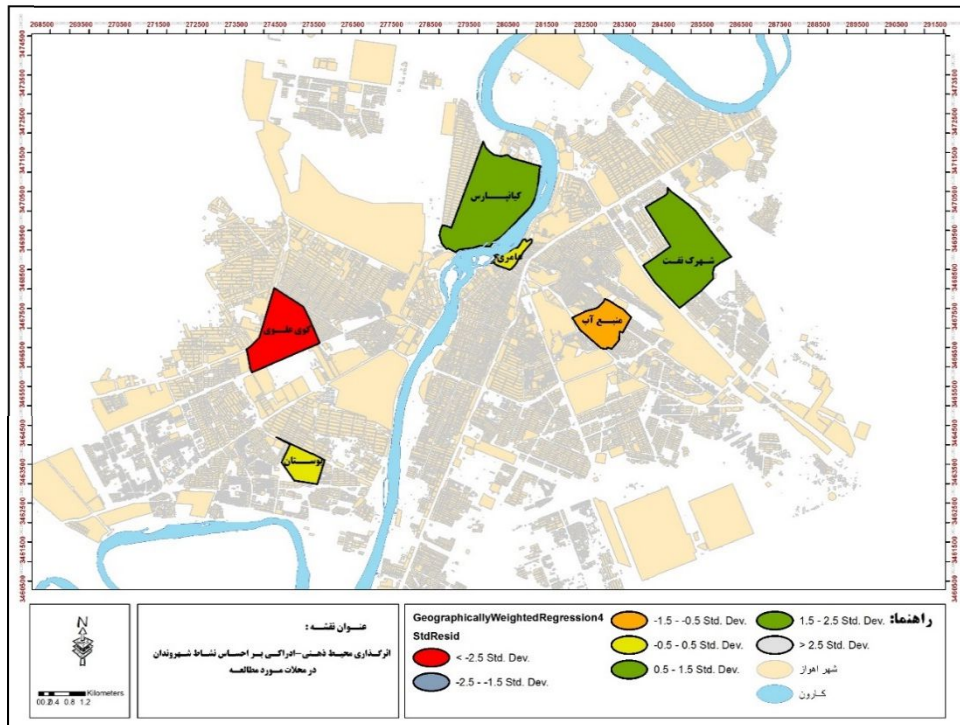
متغیر	Bandwidth	Sigma	R2	R2Adjusted
محیط سیاسی	۴۵۷۸,۳۱۷۵۲	۱۰۱۷,۵۱۵۱۹۹	۰,۹۶۳۴۹۱	۰,۹۰۷۶۲۶
محیط ذهنی- ادراکی	۴۵۷۸,۳۱۷۵۲	۱۰۰۱,۱۸۷۷۶۵	۰,۹۶۱۸۷۵	۰,۹۱۰۵۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در شکل (۴) و (۵) نیز نشان داده شده است، سطح نشاط شهروندان به ترتیب در محلات شهرک نفت، کیانپارس، گیت بوستان، عامری، منبع آب و کوی علوی بیشترین تا کمترین اثرپذیری را از محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی داشته است.

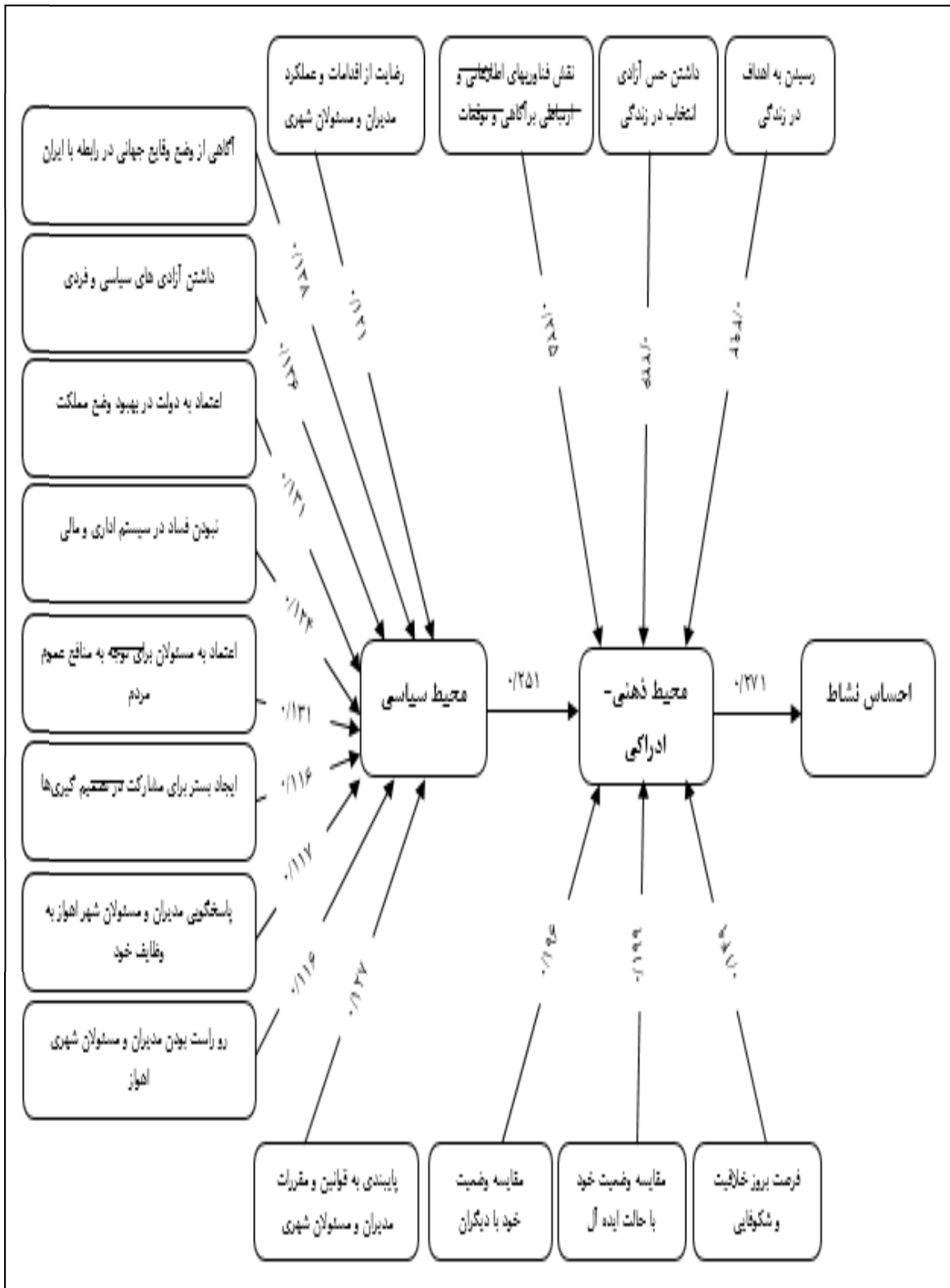


شکل ۴: اثرگذاری محیط سیاسی بر احساس نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه ترسیم: نگارندگان



شکل ۵: اثرگذاری محیط ذهنی- ادراکی بر احساس نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه ترسیم: نگارندگان

به طور کلی می‌توان گفت که محیط سیاسی و محیط ذهنی-ادراکی بر احساس نشاط شهروندان اثرگذار است و اثر محیط سیاسی و ذهنی-ادراکی بر سطح نشاط شهروندان به لحاظ آماری معنادار است. در واقع این متغیرها در سطح نشاط شهروندان و تقسیم‌بندی‌های مختلف آن مانند امیدواری، رضایت، خلق مثبت و غیره) اثرگذار هستند. بنابراین محیط سیاسی و ذهنی-ادراکی صفات و عواطف خوشایند(احساس امیدواری، رضایتمندی و غیره) را تحت تأثیر قرار می‌دهند و همچنین در تقویت علائق و علائم مثبت اجتماعی مانند روحیه مشارکت جویی، احساس اعتماد و همبستگی بین شهروندان و سیاست‌گذاران و مسئولین امور شهری نقش خواهد داشت که مجموع این مؤلفه‌ها در یک محیط شهری، در نهایت موجبات خلق فضاهای شهری شاد و شهروندانی بانشاط را فراهم می‌کند. همچنین وجود احساسات ذهنی و ادراکی مثبت و خوشایند بنابر دیدگاه جغرافیای رفتاری در نهایت باعث بروز احساسات و رفتارهای مناسب و مثبت شهروندان در محیط‌های شهری می‌گردد که این امر نیز در نهایت به خلق روحیات مثبت و خوشایند و سرزندگی شهروندان در محیط‌های شهری منجر می‌شود. در شکل (۶) مدل اثرگذاری محیط سیاسی و محیط ذهنی-ادراکی در احساس نشاط شهروندان نشان داده شده است. همانطور که در شکل نیز نشان داده شده است، شرایط محیط سیاسی بر محیط ذهنی - ادراکی شهروندان اثرگذار است و محیط سیاسی به واسطه محیط ذهنی-ادراکی و شکل دهی به نقشه ذهنی شهروندان در بروز احساسات و رفتارهای آنان در محیط‌های شهری اثرگذار است. در این میان وجود تفاوت‌های مکانی به لحاظ اثرگذاری عوامل محیط سیاسی و ذهنی ادراکی بسیار اهمیت دارد چراکه وجود احساس نابرابری‌های فضایی و اجتماعی و مقایسه‌های اجتماعی افراد با دیگران در بروز رفتارهای مخرب، ناهنجار و آسیب‌زای اجتماعی اثرگذار خواهد بود. چنانچه مشاهده می‌شود نارضایتی و احساسات منفی نسبت به شرایط محیط سیاسی و شکل‌گیری احساسات منفی ذهنی-ادراکی در برخی محله‌های شهری از جمله محله‌های حاشیه نشین منجر به بروز رفتارهای مخرب و آشوب‌های اجتماعی می‌شود.



شکل ۶: مدل اثرگذاری محیط سیاسی و محیط ذهنی- ادراکی در احساس نشاط شهروندان ترسیم: نگارندگان

## نتیجه گیری

تحلیل تفاوت‌های مکانی در اثرپذیری احساس نشاط شهروندان از محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی و همچنین نقش محیط ذهنی- ادراکی در اثرپذیری نشاط از محیط سیاسی از مهمترین متغیرهای مورد بررسی این پژوهش بودند. مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- به طور کلی شهروندان اهوازی در محلات منتخب، میزان و سطح نشاط خود را نسبت به همه عوامل محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی را پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند. پایین بودن میانگین عوامل محیط سیاسی در نشاط شهروندان شرایط نامناسب و احساسات منفی مانند نارضایتی، ناخشنودی و عدم اعتماد و امید به وضعیت و محیط سیاسی را برای شهروندان این شهر ترسیم می‌کند.

- تفاوت سطوح مکانی در اثرپذیری سطح نشاط شهروندان از محیط سیاسی و ذهنی- ادراکی نقش دارد و سطح نشاط شهروندان بر اساس اثرگذاری محیط سیاسی و محیط ذهنی- ادراکی از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند و سیر نزولی دارد. مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه، تفاوت بین محله‌های منتخب شهر اهواز از لحاظ سطح نشاط را تأیید می‌کند. در محله‌هایی که سطح زندگی پایین است همانند محله‌های کوی علوی و منبع آب که جز محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری هستند، محیط سیاسی کمترین اثرگذاری را در ارتقاء سطح نشاط شهروندان داشته است این در حالی است که سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان بیشتر از سه محله دیگر بوده است. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس سطح نشاط از سطح بالا به سطح پایین‌تر براساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است و از آنجایی که حدود ۴۰ درصد وسعت شهر اهواز را محله‌های حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی (محله‌های فقیرنشین) تشکیل می‌دهد، این امر نشان می‌دهد که با حجم زیادی از جمعیت (بخش گسترده- ای از شهر اهواز) با شرایط نامناسب سطح نشاط در برنامه‌ریزی محله‌ها و شهر اهواز مواجه هستیم.

- شرایط محیط سیاسی بر محیط ذهنی - ادراکی شهروندان اثر گذار است و محیط سیاسی به واسطه محیط ذهنی- ادراکی و شکل دهی به نقشه ذهنی شهروندان در بروز احساسات و رفتارهای آنان در محیط‌های شهری اثر گذار است. در این میان وجود تفاوت‌های مکانی به لحاظ اثرگذاری عوامل محیط سیاسی و ذهنی ادراکی بسیار اهمیت دارد چراکه وجود احساس نابرابری‌های فضایی و اجتماعی و مقایسه‌های اجتماعی افراد با دیگران در بروز رفتارهای مخرب، ناهنجار و آسیب‌زای اجتماعی اثرگذار خواهد بود. چنانچه مشاهده می‌شود نارضایتی و احساسات منفی نسبت به شرایط محیط سیاسی و شکل‌گیری احساسات منفی ذهنی- ادراکی در برخی محله‌های شهری از جمله محله‌های حاشیه‌نشین منجر به بروز رفتارهای مخرب و آشوب‌های اجتماعی می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با دیدگاه جغرافیای رفتاری است چرا که بر اساس این دیدگاه‌ها احساس و ادراک شهروندان از

محیط و مکانی که شهروندان در آن قرار دارند، اثر می‌پذیرد و نتایج این پژوهش نیز نشان داد که اثر پذیری سطوح متفاوت مکانی از محیط سیاسی و ذهنی-ادراکی در تفاوت در سطح نشاط شهروندان اثر داشته است.

### پیشنهادها

- رفع محرومیت‌ها، کاهش نابرابری‌ها و تفاوت‌های مکانی در سطوح مختلف شهر اهواز و ارائه خدمات و زیرساخت‌های اساسی در ارتقاء و بهبود شاخصهای خوب زیستی و کیفیت زندگی در شکل‌گیری احساسات و محیط ذهنی-ادراکی مثبت در ارتقای سطح نشاط شهروندان محله‌های محروم و فقیر نشین بسیار اثرگذار است.
- توجه به بحث مشارکت مردمی و سنجش خواسته‌ها و برآورده کردن نیازهای آنان به خصوص در محلات محروم و فقیر نشین می‌تواند در شکل‌گیری اعتماد و همبستگی بین شهروندان و مسئولان شهری اهواز و شکل‌گیری احساس مثبت نسبت به آنان نقش مؤثری داشته باشد.

## منابع

- احمدی، علی (۱۳۹۵) رویکرد ادراکی به محیط در جغرافیای رفتاری، فصل‌نامه رشد آموزش جغرافیا، پاییز ۱۳۹۵، دروه ۳۱، شماره ۱، صص. ۵۰-۴۴.
- امانپور، سعید؛ دامن باغ، صفیه؛ علیزاده، هادی (۱۳۹۹) تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری تصویر شهر در راستای برندسازی مؤثر شهری (مطالعه موردی: کلانشهر اهواز)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص. ۸۶-۶۷.
- بخارایی، احمد، شربتیان، محمد حسن، طوافی، پویا (۱۳۹۴) مطالعه جامعه شناختی رابطه نشاط با سلامت اجتماعی (جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان ملایر)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۳۷-۱.
- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۰)، بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، بهار ۱۳۷۰، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۷۰-۳۱.
- پوراحمد، احمد (۱۳۹۲) قلمرو و فلسفه جغرافیا، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ربانی خوراسگانی رسول، ربانی علی، عابدی محمدرضا، گنجی محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۳، شماره ۸، صص ۷۸-۴۱.
- شکوئی، حسین (۱۳۹۱) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ پنزدهم، جلد اول، انتشارات سمت.
- صفری جهانگیر، ظاهری عبده و نند ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی نقش عوامل اخلاقی و سیاسی در شاد زیستن با تکیه بر شعر کهن فارسی. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی)، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۹۴-۵۷.
- کاظمیان پور زهره، شهریاری، ابوالقاسم (۱۳۹۶) تأثیر فرهنگ بر متغیرهای اجتماعی؛ مقایسه‌ی مفهوم شادمانی در شهر تهران و روستای ارزنه، مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۳، صص ۹۹-۷۳.
- کامران، حسن، افضلی، رسول، تاجدوزیان، حمید (۱۳۹۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی جایگاه جغرافیایی فرهنگی در روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه‌ی جغرافیا، شماره ۳۴، صص ۴۵-۲۵.
- لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۵) مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره هفتم، شماره بیستم و پنجم، صص ۱۰۹-۹۶.
- محمدی ده چشمه، مصطفی؛ سجادیان، ناهید؛ شجاییان، علی؛ قیصری نرگس (۱۳۹۷) بررسی تطبیقی جغرافیای فراغت در کلان شهر اهواز، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، بهار ۱۳۹۷، دوره ۱۸، شماره ۴۸، صص. ۲۳۹-۲۱۷.
- معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز (۱۳۹۶) گزیده اطلاعات مناطق، نواحی و محلات شهر اهواز، ویرایش سوم، انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز.
- موسی، عنبری (۱۳۹۱)، بررسی زمینه‌ها و راهکارهای ارتقاء نشاط اجتماعی در ایران، مرکز مطالعات راهبردی شورای عالی انقلاب، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- Hall, Jon. Helliwell, John F. (2014) Happiness and Human Development.' UNDP, Human Development Reports Occasional Paper.
- Lourdes, Rey. Extremera, Natalio. Duran, Auxiliadora. (2012) Core self-evaluations, meta-mood experience, and happiness: Tests of direct and moderating effects, Personality and individual difference, Vol. 53, pp.207-212.
- Meyers, David. (2010) The friends, funds and faith of happy people, American psychology, Vol. 55, No.1, pp.56-67.
- Okulicz-Kozaryn, Adam. Mazelis, Jeon Maya. (2016) Urbanism and happiness: A test of Wirth's theory of urban life, Urban Studies, Vol. 55, No.2, pp.1-16.

-Peck, Jamie & Wills, Jane (2000), What is geography, Antipode journal, volume 32, Number. 7, pp. 27-38.  
Veenhoveen, Ruut. (2000) the four qualities of life, Journal of Happiness Studies, Vol.1, No.2, pp. 33-46.